



به اروپا کی همیشه افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

بازگشت به سنگسار ریفرم نیست، افتضاح است!

2013/11/26

یک هیأت تقنینی که با پول کمک شده به ریفرم سیستم عدلی و قضائی افغانستان تمویل گردیده، مؤظف شده است، قانون جزأ توشیح شده در سال 1355 (1976) دوره جمهوریت داود خان رئیس جمهور وقت را بازنگری کند و با مقتضیات امروز همونوا سازد. بنا به گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر هیأت تقنینی مؤظف با استفاده ازین فرصت میخواهد جزاهای جسمی قرون وسطائی از قبیل زدن شلاق، قطع دست، قطع دست و پای و سنگسار را در افغانستان احیا کند. این هیأت پیشنهاد کرده است که جزاهای جسمی متذکره در ملای عام در برابر چشمان مردم اجرا گردد تا باعث عبرت دیگران گردد. چون ماده 29 قانون اساسی نافذه صراحتاً " جزاهای خلاف کرامت انسانی" را ممنوع قرار داده است، این حرکت وزارت عدلیه مایه تعجب و تأسف زیاد است. اگر ریفرم ما را به عقب براند، ما به این ریفرم نیازی نداریم. اگر کشورهای پشتیبان حکومت فعلی امکاناتی در زمینه تعدیل و یا بهتر شدن دارند، آنرا در تطبیق قوانین موجود بکار برند. ما قانون به اندازه کافی داریم. اگر قوانین موجود بالای همه اتباع افغانستان یکسان تطبیق گردد، اگر خود ارگانهای عدلی و قضائی ما تابع قانون ساخته شوند و در برابر قانون حسابده باشند، اگر ارگانهای عدلی و قضائی کنونی قانون را واقعاً بالای صاحبان قدرت دولتی، مافیاء پولدارهای تنظیمی، و گروه های مسلح خارج از چوکات دولت تطبیق کنند، گراف جرایم بخودی خود پائین می آید. این فرهنگ معافیت از مجازات است که باید ریشه کن گردد. دست درازی به پیشرفتهای تقنینی که افغانستان در گذشته به آن دست یافته خیانت به سیستم عدلی و قضائی افغانستان است.

قانون جزأ 1355 افغانستان نخستین قانون جزأ مدون افغانستان است که ازین لحاظ دارای اهمیت تاریخی فوق العاده زیاد میباشد. این قانون بررسی جرایم حد و قصاص را که جزای آن درقران کریم پیش بینی شده است، به محکمه واگذار کرده و صرف تعزیرات را که در حیطة صلاحیت حکمران عصر است و مطابق شرایط عصر باید تدوین گردد، در برمیگیرد. قانون جزأ توانسته است اصول و مقتضیات فقه اسلامی را با اصول عام حقوقی معاصربه شیوه اعتدالی تلفیق کند. مواد این قانون در ساحة جرایم و جزاهای عادی هم با شرع اسلامی در تطابق است و هم با قانون اساسی کنونی. آنچه درین قانون باید بازنگری و اصلاح گردد عبارتند از دوفصل "جرایم

علیه امنیت داخلی دولت" و "جرائم علیه امنیت خارجی دولت". درین دوفصل که برای سیستم سیاسی یک حزبی تدوین گردیده بودند آزادی بیان، اجتماعات، مطبوعات و فعالیت سیاسی سلب گردیده و برای متخلفین جزا های سنگین پیش بینی شده است. در دوران جمهوری محمد داود خان از مواد این دوفصل به ندرت استفاده بعمل آمد. بعد از فاجعهٔ ثور 1357 و اشغال شش جدی 1358، اعمال غداران حاکم چون اختناق خفقان آور، اعدام ده ها هزار بیگناه و زندانی ساختن صدها هزار نفر توسط محکمهٔ خاد (به اصطلاح محکمهٔ اختصاصی انقلابی) به همین مواد استوار ساخته شد. چون این دوفصل ماهیت دیکتاتوری داشته و با قانون اساسی کنونی افغانستان در تضاد اند، مستلزم بازنگری غرض مطابقت دادن با قانون اساسی نافذ میباشند.

دلیل هیأت تقنینی برای دوباره وارد ساختن جزا های بدنی اینست که گویا موجودیت جزاهای بدنی شدید باعث ترس و امتناع از جرم میگردد. آیا جزا های جسمی واقعاً باعث تخویف و پائین آمدن گراف جرائم میگردد؟ جواب ما به این سوال نه است. به جمهوری اسلامی ایران نظر اندازید. تمام تنبیهات بدنی قرون وسطائی در قانون جزا ایران درج گردیده و تطبیق میگردد. اما این باعث پائین رفتن میزان جرائم نشده است. امروز، که بیش از سی و سه سال از تأسیس جمهوری اسلامی ایران میگذرد، از هر هشت نفر ایرانی یک نفر دوسیهٔ جرمی دارد. طرفداران جزا های جسمی از عربستان سعودی و افغانستان دوران طالبان نیز بحیث مثالهای تثبیت ادعای خود استفاده میکنند.

با مراجعه به ارقام مندرج در ویکیپدیا می بینیم که در عربستان سعودی تعداد جرائم در سال 2012 بالغ بر 84599 جرم بوده است. در مقیاس هر صد هزار نفر (تقریباً یک ولسوالی) 29 واقعهٔ زنا و 70 واقعهٔ دزدی در همان سال در عربستان انجام یافته است. این جرائم در حالی صورت میگیرد که شکم مردم از جیرهٔ نفت سیر است و تطبیق جزاهای های شدید جسمی بیش از نیم قرن قبل آغاز گردیده بود. طالبان امروز با حملات انتحاری و ماینهای کنار جاده ارباب خلق میکنند و دیروز با نمایشات وحشتناک قطع اعضای بدن و بریدن گردن انسانها میکوشیدند فضای ترس از امارت خویش را در اذهان ایجاد کنند. امنیت نوع طالبی به قیمت برده ساختن شهروندان بدست می آید. اگر مردم ما از آن نوع امنیت راضی میبودند از رژیم طالبان در برابر امریکائیا دفاع میکردند. امیدواریم تیم تقنینی و پارلمان در برابر این روند خشونتبار قرون وسطائی موقف جدی اتخاذ کنند. جای تاسف خواهد بود اگر آقای کرزی و رهبران کشورهای تمویل کنندهٔ پروژهٔ اصلاح سیستم عدلی و قضائی از انفاذ این قانون جلوگیری نکنند، در حالیکه چنین قانونی با خواست مردم افغانستان و تمام اسناد جهانی حقوق بشر مغایرت داشته و سازمان دیده بان حقوق بشر مخالفت جدی خود را با آن اعلام داشته است.

"کمیتهٔ حقوق بشر فارو"